



۲۲

مقایسه ۲ نگاه انقلابی و ارتجاعی در رویدادهای کشور

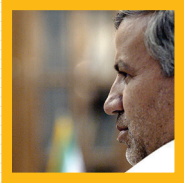
بررسی برخی رویدادهای مهم سیاسی، اجتماعی و اقتصادی بانگاه ارتجاعی و تفاوت آن بانگاه انقلابی در پرونده امروز همشهری

● یکشنبه ۱۴ اسفند ۱۴۰۱ ● ۱۲۰۱ شعبان ۱۴۴۴ ● سال سی و یکم ● شماره ۸۷۲۹

کاسبکاری سیاسی با نگاه ارتجاعی

سیدعطاالله مهاجرانی در گفت‌وگو با همشهری می‌گوید: کسانی که به‌دنبال بازگشت به‌گذشت‌اند مرتجع‌اند

۲۲



هلمشهری



وقتی بن بست می بینیم

نگاه به مشکلات با رویکرد انقلابی و نه ارتجاعی، تنها راه برطرف کردن چالش‌های کشور است

حمیدرضا بوجاریان
خبرنگار

اما تفکر انقلابی که رهبر انقلاب بر آن تأکید دارند، دارای چه شاخص‌هایی است؟ نگاه ارتجاعی به موضوعات معنایه کشور چه مواردی را در برمی‌گیرد و چگونه باید آن تفکر را شناخت و با آن مقابله کرد؟

پیش از آن عملی نکرده‌اند، معمول و موضوعی قابل پیش‌بینی است. بااین حال، برخی نگاه ارتجاعی هر شکست و ناکامی را اجرای یک طرح را با تعبیری چون «مانعی توانیم»، «کار راه کار دانش بسپارید» و «چرا اصرار به انجام کار توسط خودمان را دارید» مورد حمله قرار می‌دهند. این جریان اصرار دارد با تبیین اینکه قرار نیست هر نیازی را در داخل و بانیروی داخلی گرفته که خروج از آن غیرممکن است. در کنار آن، این جریان‌ها که عمدتاً دارای کارکردهای رسانه‌ای – سیاسی منسجم و درهم تنیده‌ای هستند با ضرب دادن به برخی اظهارنظرهای خطا به شکل عامدانه بانادیده گرفتن پیشرفت‌ها و موفقیت‌هایی که کشور به آن دست پیدا کرده است و با بن بست‌نمایی وضعیت کشور، گرفتن راه برون‌رفت از آن را تمسک و کمک گرفتن از غرب معرفی می‌کنند و می‌کوشند افکار عمومی را برای وارد کردن فشار به مسئولان و تصمیم‌گیران در «آودان به غرب» با خود همراه و چگونگی موفقیت‌های به‌دست آمده شکری است که به‌کار گرفته شده است.

چنین تفکری درحالی‌ا‌س‌و‌ی این جریان تبلیغ و ترویج می‌شود که با تکیه بر دانش و توجه نیروهای متخصص داخلی واعتماد به آنان، کشور در مسیر توسعه و پیشرفت توانسته بسیاری از نیازهای خود را تأمین کند و به یکی از کشورهای تولیدکننده دانش تبدیل شود. این در حالی است که بسیاری از کشورهای غربی با این ادعا که ایرانیان قادر به تأمین نیازهای خود نیستند و دیر یا زود ناچار به درخواست کمک از آنان می‌شوند، مسیر توسعه کشور را رصد کرده‌اند. با همت مثال‌زدنی متخصصان کشور، اکنون خود کفایی در بسیاری از رشته‌ها و تبدیل شدن کشور از واردکننده محصول به صادرکننده همان محصول به دنیا به یکی از شاخصه‌های توسعه کشور تبدیل شده است. موفقیت‌هایی که نشان می‌دهد، مردم و مسئولان بن‌بستی را مقابل خود نمی‌بینند و تلاش می‌کنند هر تهدید و ضعفی را به نقطه‌قوت و پیشرفت کشور تبدیل کنند.

«ما می‌توانیم» در مقابل نمی‌توانیم‌ها شکست و موفق نشدن در اجرای طرح‌های بزرگ و کوچک موضوعی عادی است که در اجرای هر برنامه یا پروژه‌ای رخ می‌دهد. این اتفاقات خصوصاً در کشورهایی که تجربه‌های نخستین خود را دارند برای اجرای طرحی که تا

کار جهادی، مقابل بی‌عملی

توقف امور و چاره‌اندیشی برای برطرف کردن مشکلات بااین استدلال که نه توان و دانش فنی لازم را داریم و نه می‌توانیم از خارجی‌ها برای برطرف کردن مشکلات کمک بگیریم، شاخص مهمی است که در نگاه ارتجاعی به مشکلات وجود دارد. در این تفکر، دست روی دست گذاشتن و این نگاه که «می‌شود؛ نمی‌گذارند و نمی‌توان کار کرد» به یک اصل تبدیل شده است. افرادی که چنین نگاهی دارند، ذهن خلاقانه‌ای برای طراحی طرح و ایده‌ای برای رفع مشکلات ندارند و بانگاه به بن‌بست رسیده ذهنی خود تنها تلاش می‌کنند کشور را به شکل روزمره اداره کنند؛ آفتی که بسیار خطرناک است و می‌تواند به ایجاد پأس و ناامیدی میان مردم منجر شود. بااین حال، در رویکرد نگاه انقلابی به مشکلات، انجام کار شبانه‌روزی و جهادی بااستفاده از ظرفیت نخبگان، نیروی جوانی و نیز ایمان به اینکه می‌توان کمبودها را برطرف کرد، وجود دارد. در این نگاه، کار انقلابی و جهادی با رویکرد گره‌گشایی از مشکلات به‌عنوان اکسیر رفع چالش‌ها در کشور مورد توجه قرار گرفته است. اکنون بسیاری از نیازهای کشور که با سازوکارهای معمول اداری برطرف نمی‌شود، با استفاده از نیروی ایمان و انگیزه جوانی در قالب فعالیت‌های جهادی تأمین می‌شود که چنین الگویی در جهان بی‌پدلی است؛ رویکردی که درست در نقطه مقابل بی‌عملی‌ها قرار گرفته است و بااین روش بن‌بست‌های بسیاری شکسته شده و کارهای بزرگی نیز به سرانجام رسیده است.

نق‌زن‌هایی که فکر نمی‌کنند

در تفکر ارتجاعی به مشکلات ممکن است برخی افسرد در فرایند برطرف کردن مشکلات وارد شوند، اما در همان ابتدای راه، با ایراد گرفتن‌های پی‌درپی و غیرمسئولانه تلاش کنند در روند امور با زن نقد اختلال ایجاد کنند. این افراد در مواجهه با نخستین چالش به‌دلیل نبود اعتماد به نفس، خودباختگی، نگرانی از شکست احتمالی و نیز رویکردهایی که منافع کشور را دربرنمی‌گیرد،

شروع به نق‌زن د‌ن درباره سرانجام کار می‌کنند. این افراد بانق‌زن‌دن، خواسته یا ناخواسته منجر به نگرانی دیگران درباره سرانجام فعالیتی که آغاز کرده‌اند می‌شوند و می‌توانند به شکل زنجیروار سیستم فعال در مدیریت کشور را متزلزل کرده و تصمیم‌گیرندگان را بسرای تصمیم‌گیری با تذبذب‌های جدی رویورو کنند؛ تصمیم‌هایی که اگر به‌موقع گرفته نشوند می‌توانند برای کشور خسارت‌های جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشند. درجهت مخالف بااین نگاه، افرادی که بانگاه انقلابی به مشکلات می‌نگرند، با بروز نخستین مشکل به جای نگرانی و ترس از وقوع مشکل و ناامید شدن در رفع آن، تلاش می‌کنند ضمن علت‌یابی، برای آن راه‌حلی پیدا کنند تا بتوانند کار را جلو ببرند. فکر کردن درباره چرایی بروز مشکل و اینکه چگونه باید با مسئله رخ داده برخورد کرد، ویژگی اساسی تفکر انقلابی به مشکلات است. بدون تردید آ‌زمایش نگاه انتزاعی این افراد انچنان غلیظ است که راه‌های مختلف برای رسیدن به پاسخ یک «چرا» موضوعی است که راه را برای پیشرفت و عبور از بحران هموار می‌کند.

بزرگ‌نمایی ضعف‌ها برای زدن انقلاب

هیچ جامعه‌ای بدون مشکل نیست و هر کشوری مشکلات خاص خود را دارد، اما در کشورهای دیگر کمتر افرادی پیدا می‌شوند که مشکلاتشان را با صدای بلند به گوش دیگران برسانند و دست به‌خودتقزیری و ضعیف‌نمایی بزنند. در نگاه ارتجاعی به مشکلات، افراد بدون درنظر گرفتن منافع ملی، کمبودها، ضعف‌ها، مشکلات و کاستی‌ها را با صدای بلند فریاد می‌زنند و می‌کوشند توجه دیگران را نسبت به این مسائل جلب کنند. اینن تفکر در فرآیندی که دنبال می‌کند، با اتکار اصل جمهوری اسلامی و انقلاب، اصل و اساس وجود مشکلات را ناشی از انقلاب می‌داند و سعی در نهادینه کردن این تفکر دارد.

در تفکر انقلابی باید مشکلات بدون بزرگ‌نمایی و به شکل واقعی و در ابعادی منطقی به مسئولان گوشزد شود؛ حتی باید راهکارهای برون‌رفت از چالش‌ها نیز در قالب پیشنهاد و برنامه‌ای قابل اجرا در اختیار مسئولان قرار گیرد تا

نقد‌های موبایلی به جای میدانی

با گسترش فناوری و فراگیر شدن اینترنت در جامعه، رویکردهای اجتماعی نیز دچار تغییرات اساسی شد. اگر در گذشته افراد شناخته‌شده وصاحب‌نظران در عرصه‌های مختلف وضعیت جامعه و عملکرد مسئولان را ارزیابی می‌کردند و مورد نقد قرار می‌دادند، اکنون افرادی ناشناخته و بدون تخصص به این عرصه وارد شده‌اند و دست به «سیاه‌نمایی» با ادعای نقادی می‌زنند. این افراد که در فضای مجازی به‌دلیل تلخ‌گویی ناشی از استفاده از داده‌های عمدتاً نادرست دنبال کنندگانی دارند در قامت منتقد عملکرد مسئولان در خانه‌های خود دستست به نقادی می‌زنند و داده‌های نادرست دریافتی خود را بازنشر می‌کنند تا صر فاً آن را بیان کرده باشند نه اینکه راهکاری برای رفع مشکل ارائه کنند. با توجه به اینکه افکار عمومی عمدتاً تشنه در یافت اخبار منفی است، این نقدها با ضرب هم‌راهی بالاتری

برخوردار می‌شود و در نهایت نقدهایی سراسر یک‌سویه در اختیار مردم قرار می‌گیرد، اما واقعیت این است که «نقد» در تفکر انقلابی نه پشت میز، در خانه و پشت لب‌تاب و موبایل، بلکه در صحنه میدانی رخ می‌دهد. منتقدان با حضور در صحنه‌ای که احساس می‌کنند ضعفی در جریان است، تلاش می‌کنند با ارائه نقد منصفانه، راهکار بهتر شدن روندها را ارائه کنند و نقد آنان صر فاً و تنها برای بیان شس‌دن به کار نمی‌رود. منتقدان در این روش می‌کوشند با هدف گرفتن تصمیمات غلط، با نقد خودزمینه‌را برای اصلاح آن تصمیم را رویکرد فراهم کنند تا در نهایت نقدی که انجام می‌شود منجر به صلاح مردم و جامعه شود.

بدون تردید چنین نقدی نه‌تنها خوشامدو کارآمدتر است، بلکه دارای مختصات واقعی نیز هست و کارکرد آن نه در شبکه‌های اجتماعی، بلکه در میدان عمل خود را نشان می‌دهد.

آنان با بررسی پیشنهاد‌های قابل اجرا بتوانند تصمیم‌های بهتری را برای اداره امور اتخاذ کنند. در این مسیر باید با دفاع از اصل انقلاب و اصل جمهوری اسلامی ضعف‌ها را پذیرفت، اما نقاط قوت را نیز باید در کنار ضعف‌ها مورد توجه قرار داد تا ملاک و معیار درستی از انقلاب در اختیار افکار عمومی قرار گیرد.

نگاه تک‌بعدی به چالش‌ها

همه مشکلات ناشی از بی‌تدبیری مسئولان است. این گزاره شاهبیت مدعیان انقلاب ارتجاعی به مشکلات است. آنان همه آنچه در کشور رخ می‌دهد را به شکل تک‌بعدی ارزیابی می‌کنند و هر اتفاق و رویدادی را ناشی از تصمیم‌غلط مسئولان می‌دانند و اینطور نتیجه‌گیری می‌کنند که مدیران جمهوری اسلامی توانایی مدیریت کشور را ندارند. مصداق آنان نیز ترسیم بی‌وقفه مشکلات بدون نگاه به موفقیت‌هاست. نگاه انتزاعی این افراد انچنان غلیظ است که سعی می‌کنند با برجسته کردن برخی اتفاقات در سال‌های دور و قبل از دوره انقلاب اسلامی و مقایسه‌سازی آن با دوره کنونی، اینطور القاسازی کنند که وضعیت کشور در گذشته

بهتر از حال بوده است. این در حالی است که چنین مقایسه و نگاهی از اساس غلط است. با وقوع انقلاب اسلامی و استقلال کشور، در ۴۴ سال گذشته انواع تحریم‌ها در ابعاد مختلف علیه کشورمان وضع شده است؛ به‌گونه‌ای که به‌گفته تحریم‌کنندگان، فلج‌کننده‌ترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌ها علیه یک کشور بر وضع جمهوری اسلامی ایران وضع شده است. در چنین شرایطی، بدون شک بروز برخی مشکلات قابل پیش‌بینی است و نباید این شرایط را در بروز چالش‌های امروز بی‌تأثیر دانست. با این حال، اراده مردم و مسئولان برطرف از هر دوین اشتباهات و مشکلات و عبور از تنگناها با همدلی است.

تنمیه نگاه ارتجاعی و راه علاج آن

رویکرد دولت‌گرا یانه صرف و بی‌توجهی به نقش و اراده مردم در برطرف کردن مشکلات، بی‌اعتمادی مفرط به همه مسئولان و مدیران، تحت‌تأثیر فضای مجازی بودن در تحلیل‌ها، بی‌توجهی به خطر رسانه‌ای دشمن و جنگ رسانه‌ای و نیز احساس بی‌صبری در بیان نقدها از شاخص‌های نگاه ارتجاعی به مشکلات است؛ شاخص‌هایی که با رویکردهایی مانند توجه همزمان و متوازن هم به‌سه‌توان دولت و حاکمیت مرکزی و هم قدرت و توان مردمی، امیدواری به مدیران و مسئولان با وجود نقدهایی که به برخی از آنها وارد است، توجه به خطر رسانه‌ای دشمن و جنگ رسانه‌ای و درگیری با آن و توجه بیشتر به واقعیت امور و نیز نگاه بی‌واسطه به آنها و در نهایت احساس صبر در بیان نقدها می‌تواند نگرانه ارتجاعی به مشکلات کشور را درمان کند.

نکته‌ها

نگاه ارتجاعی به دین



شهید آیت‌الله بهشتی ملت‌سی را سال‌ها با افسون‌ها به خواب برده بودند، به‌ذلت کشانده بودند، به آنها به غلط چنین فهمانده بودند که این است سرنوشت شما، شما ملت عقب‌مانده هستید. به آنها گفته‌بودند نگاه کنید به مسلمانان دنیا اگر در عالم اسلام یک کشور پیشرفته آزاد و مستقل توانستید پیدا کنید، معلوم می‌شود اینها از آثار عموم اسلام است. این افراد با حمله به دین و مظاهر دینی در تلاش برای تزریق اندیشه وابستگی بودند: «می‌گفتند این علامه‌به‌سرها را می‌بینید، اینها متادیان ارتجاع و عقب‌ماندگی و ابتدال هستند، اینها داعیان ضدترقی و ضدتکامل‌اند و به آنها می‌گفتند اگر ترقی و تعالی و تکامل می‌خواهید، به‌دنبال ما بیایید.»

■ ■ ■

■ ■ ■

■ ■ ■

جبران ضعف‌ها با هوشمندی



عباس سلیمی نمین

جامعه‌ای که سال‌ها خارج از اختیار و اراده بوده و اجازه دخالت در امورش را نداشته است، طبیعتاً در دوره‌ای که می‌خواهد کشور را براساس توانمندی‌ها وقابلیت‌های ملی حل و فصل کند، دچار ضعف‌هایی هم خواهد بود اما، نکته مهم این است که در مواجهه با این ضعف‌ها چه می‌توانیم در این زمینه اتخاذ کنیم؛ یک رویکرد این است که قابلیت‌های داخلی را زیر سؤال ببریم و این تلقی را ایجاد کنیم که ما نمی‌توانیم متکی بر رویکردی داشته باشیم، اما در واقعیت، این رویکردی است که به‌سوی آنها حرکت کردن؛ اگر این هدف‌ها را فراموش کردیم، دیگر انقلاب نیست.

۲۹ دی‌ماه ۱۳۹۶

بازگشت به گذشته وار تعاض

بنده با شعاع اصلاح صدرصد موافقم؛ اصلاح در روش‌ها، اصلاح در شیوه‌ها و استقامت در هدف‌ها ومبانی، در اهداف ومبانی، ملاک ما باید «فاستقم کما امرت» باشد. همه‌چیز عدول از مبانی و عدول از ارزش‌ها جایز نیست؛ اهداف، از این اهداف جایز نیست؛ اما در روش‌ها بایستی تکامل، اصلاح، تغییر و رفع خطا، جزو کارهای دائمی و برنامه‌های همیشگی ما باشد؛ بدینهم

کدام روش ما ولو به آن عادت کرده باشیم، غلط است، آن را عوض و اصلاح کنیم. باید مراقب باشیم که جای این تعبیرات عوض نشود؛ یعنی ما در زمینه اهداف، می‌گوییم استقامت؛ باید جای «هدف» را با «روش» اشتباه نکنیم. استقامت در روش‌ها لازم نیست، استقامت در اهداف لازم است. در کار روش‌ها آزمون و خطا جاری است. البته باید از تجربه‌ها استفاده کنیم که آزمون ما از من موفق‌ی باشد ونخواهیم که دائم تجربه کنیم و پشت‌سر هم اشتباه‌اما در زمینه اهداف، بایستی قرص و محکم بایستیم و یک قدم پایین نیاییم. البته انحراف از هر دوین اشتباه است. بعضی به نام نواندیشی و به نام اصلاح، در هدف‌ها تغییر ایجاد می‌کنند؛ در هدف‌ها تجدیدنظر می‌کنند؛ اصلاح نیست؛ این برگشت

از راه و مقبوضه است؛ ارتجاع است. ما اگر امروز چیزی که امروز بیش از هر زمانی نیاز داریم، تحول اساسی در دولت‌سازی اسلامی است. یک وجه اساسی در دولت‌سازی اسلامی، دوری از مصلحت‌گرایی است. البته در نقطه مقابل، باید به اهداف والای انقلاب اسلامی را، چه در زمینه‌های فرهنگی، چه در زمینه‌های اقتصادی، چه در زمینه‌های حکومتی و سیاسی، دست‌نیزیم و برگردانیم به سمت آنچه احیائاً دنیا – دنیای مادی و سلطه؛ دنیای تحت‌پنجه شیطان – هم از گذشته، در دوران طاغوت، همین اهداف دنیایی حاکم بود؛ منتها با ابزارهای بسیار فاسد و زشت و وابسته. ما نباید این ارتجاع را قبول بکنیم. اهداف ما اهداف الهی است، حکومت‌الله وتوحید و رفتن به سمت جامعه حقیقی دینی و حاکمیت حکم الهی است. البته، در نقطه مقابل، باید به نام صلابت، دچار تاجر هم نشویم و روش‌هایی را که امتحان کرده‌ایم و غلط از آب درآمده، رویش پافشاری نکنیم. بنابر این، بنده با شعار اصلاح صدرصد موافقم؛ اصلاح در روش‌ها، اصلاح در شیوه‌ها واستقامت در هدف‌ها ومبانی.

یادداشت

شناخت مرتجع

از نگاه رهبری

نگذارید رده‌های ارتجاع در کشور نفوذ کنند و جاگیر بشوند. «مرتجع» یعنی چه؟ ما وقتی می‌گوییم «مرتجع»، ذهن بعضی‌ها می‌رود به کسی که یک عرق‌چینی بر سرش است؛ نه، مرتجع آن کسی است که در سیاست و سبک زندگی، تابع سیاست و سبک زندگی غربی است؛ این مرتجع است. این اوضع ا در کشور ما بود؛ در دوران حاکمیت فاسد و وابسته پهلوی، سبک زندگی غربی در کشور بود. انقلاب آمد آن را پس زد؛ هر کس به آن برگردد مرتجع است. ممکن است این شخصی که مرتجع است تی شرت و شلوار لی و پاپیون و ادکلن فرانسوی هم بزند، اما مرتجع است. هر کسی که به سمت زندگی و فرهنگ و سبک زندگی غربی برود، او مرتجع است. نگذارید کشور تان به سمت ارتجاع برود؛ نگذارید ارتجاع در بدنه کشور جاگیر بشود و نفوذ کند.

۱۴ خرداد ۱۴۰۱

خط عوض کرده‌های مرتجع

یکی از مهم‌ترین آفت‌های همه انقلاب‌ها ارتجاع است. ارتجاع یعنی چه؟ یعنی این حرکتی که انقلاب شروع کرده بود و ملت داشتند در این مسیر با نیروی انقلابی و با سرعت حرکت می‌کردند، در یک جاهایی سست بشوند، بعد متوقف بشوند، بعد برگردند؛ این ارتجاع است؛ ارتجاع یعنی برگشت. همه انقلاب‌های بزرگ تاریخ که مسا آنها را می‌شناسیم – مثل انقلاب فرانسه، مثل انقلاب روسیه و انقلاب‌هایی که در کشورهای آفریقا و آمریکای لاتین و جاهای دیگر اتفاق افتاد – تقریباً بدون استثنا در سال‌های اول عمر خودشان به این بلیه دچار شدند؛ اینکه ۴۰ سال بگذرد و شعارهای انقلاب دست نخورد، تکان نخورد، در هیچ کدام از این انقلاب‌ها وجود ندارد؛ ما توانستیم این شعارها را حفظ کنیم، اما خطرناک است؛ من وظیفه دارم خطر را به مردم عزیزمان بگویم. ما اگر به سمت اشتراقیگری حرکت کردیم، این رفتن به سمت ارتجاع است؛ اگر به جای توجه به طبقه ضعیف، دل‌سپرده طبقات مرفه و زیاده‌خواه در کشور شدیم، این حرکت به سمت ارتجاع است؛ اگر به جای تکیه به مردم به خارجی‌ها تکیه کردیم، امیدمان را به بیگانه‌ها بستیم، این حرکت در سمت ارتجاع است؛ این نباید اتفاق بیفتد. نخبگان جامعه باید حواسشان باشد، مدیران جامعه باید حواسشان باشد. مدیران کشور باید به‌شدت مراقبت کنند، مردم هم باید کنند، با حساسیت دنبال کنند رفتار ما‌ها را، رفتار مدیران را؛ با حساسیت. ارتجاع چیز خطرناکی است. ارتجاع وقتی اتفاق می‌افتد، منتهای این است که همان آدم‌های انقلابی سابق سر کارند اما خطا را عوض کرده‌اند، راه را عوض کرده‌اند؛ کانه انقلاب شده بود برای اینکه آنها بروند و ما بایاییم سر کار؛ برای این اکارا انقلاب نشد؛ انقلاب یعنی دگرگونی، انقلاب یعنی تغییر مسیر، انقلاب یعنی یک هدف‌های والایی را درنظر گرفتن و به‌سوی آنها حرکت کردن؛ اگر این هدف‌ها را فراموش کردیم، دیگر انقلاب نیست.